

Legal Assessment of the Possibility of Characterizing the Assassination of Major General Soleimani and Others as a Crime against Humanity

Received: 16/04/2020; Accepted: 24/06/2020 Heybatollah Najandimanesh¹

Abstract

On 3 January 2020, USA government assassinated an Iranian high-ranking military official and some of his companions by a drone near the Baghdad Airport. This act of USA was conducted by the direct order of its president. This article has dealt with this question whether assassination of Major General Soleimani and his colleagues can be legally characterized as a crime against humanity? To answer this question, the author has tried to analyze and examine the subject in the light of the relevant international law documents and case-law. According to the findings of this research, given the illegitimate and protracted US sanctions against the Iranian nation as a widespread or systematic attack against the civilian population (including the ill persons) in accordance or to further the US policy, the assassination of General Soleimani and other Iranian nationals as a part of this widespread and organized attack may be qualified as a crime against humanity. In accordance with the finding of this article, it is suggested that good cause evidence and documents be provided for proving that the US is committing course of conduct as a widespread or systematic attack against the Iranian population. It is necessary that more researches concentrate on this subject and specifically on US sanctions against Iranian people.

Key words: Crimes against Humanity, General Soleimani, United States of America, International Human Rights Law, International Criminal Court.



¹ Assistant Professor, Department of Public and International Law, Faculty of Law & Political Science, Allameh Tabataba'i University; Email: hnajandimanesh@gmail.com



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

امکان سنجی حقوقی توصیف ترور سردار سلیمانی و دیگران به مثابه جنایت علیه بشریت

تاریخ دریافت ۹۹/۰۱/۲۸ - تاریخ پذیرش ۹۹/۰۴/۰۴ هیئت الله نژندی منش^۱

چکیده

در سوم ژانویه ۲۰۲۰ دولت ایالات متحده آمریکا بوسیله پهپاد یک مقام عالی نظامی ایران را به همراه چند تن دیگر از همکارانشان در فرودگاه بغداد به شهادت رساند. این اقدام ایالات متحده آمریکا به دستور مستقیم رئیس جمهور این کشور صورت گرفت. در این نوشتار به بررسی این سوال پرداخته شده است که آیا می توان ترور سردار سلیمانی و دیگر همکاران ایرانی ایشان را جنایت علیه بشریت توصیف کرد؟ برای پاسخ به این سوال، نویسنده تلاش کرده است تا در پرتو اسناد بین المللی و همچنین رویه قضائی ذیربط به تحلیل و بررسی موضوع بپردازد. بر اساس یافته های این تحقیق در صورتی که بتوانیم اثبات کنیم تحریمهای نامشروع و ممتد ایالات متحده آمریکا علیه مردم ایران به مثابه حمله (یا تعرض) گسترده یا برنامه ریزی شده علیه جمعیت غیرنظامی (از جمله بیماران) می باشد که برطبق سیاست دولت آمریکا یا برای پیشبرد این سیاست اعمال می گردد، و ترور سردار سلیمانی و دیگر اتباع ایرانی به عنوان بخشی از این تعرض، گسترده یا برنامه ریزی شده می تواند جنایت علیه بشریت توصیف شود. بنابر یافته این تحقیق پیشنهاد می شود تا مستندات و ادله محکمه پسند برای اثبات این که دولت آمریکا سلسله رفتاری را در قالب یک تعرض گسترده یا برنامه ریزی شده علیه مردم ایران انجام می دهد، تهیه گردد. همچنین لازم است تا پژوهش های بیشتری بر این موضوع و بویژه بحث تحریم های ایالات متحده آمریکا علیه مردم ایران متمرکز گردند.

واژگان کلیدی: جنایات علیه بشریت، سردار سلیمانی، ایالات متحده آمریکا، حقوق بین المللی بشر، دیوان بین المللی کیفری.





مقدمه

دولت ایالات متحده آمریکا به عنوان «بنیادگراترین دولت» (Chomsky, 2016) همواره تلاش می کند تا از روش های مختلفی ملتهای دیگر را وادار به تبعیت از خط مشی سیاست خود نماید. برای رسیدن به این هدف گاه از روشهای کاملاً خشن مثل جنگ استفاده کرده است و گاه از روشهای به ظاهر نرم مثل تحریم ها، اقدامات ایالات متحده آمریکا علیه مردم ایران در دوره های مختلف نشان از این دارد که بنیادگرایی آمریکا به مراتب از داعش و یا هر گروه تروریستی دیگری خطرناک تر است.

آمریکا گاه خود به طور انفرادی و گاه از طریق وادار کردن کشورهای دیگر به اعمال تحریم ها و گاه با تطمیع و تهدید برای اجماع جهانی در شورای امنیت علیه مردم ایران همواره درصدد این بوده است تا مردم ایران را در سختی و فشار و به عبارت دقیق تر در رنج و مشقت قرار دهد و به این طریق بتواند به اجرای سیاست های خود بپردازد.

تردیدی نیست که زیست انسانی، چه در حوزه انفرادی و چه در حوزه جمعی، آمیخته ای از اجبار و همکاری است (Farer, 2003:115). بنابراین، بی راه نیست اگر گفته شود در حوزه زیست بین المللی «اجبار» بخشی از نظام حاکم بر رفتار کنشگران می باشد. به همین دلیل در هر نظام حقوقی، از جمله حقوق بین المللی، اجبار به عنوان نوعی سوق دهنده برای اجرای قواعد یا ضمانت اجرا در نظر گرفته شده است. تحریم ها- در نظام حقوق بین المللی فعلی- به عنوان ابزاری برای وادار کردن کشورها به رعایت حقوق بین المللی در نظر گرفته شده است.^۲

۱ برای نمونه در ماده ۴۱ منشور ملل متحد (هر چند نه با عنوان تحریم ها) اما قطع روابط اقتصادی با کشور یا کشورهای متخلف مورد پذیرش قرار گرفته است.





استفاده از تحریم ها به عنوان ابزار سیاست خارجی به خودی خود امر غیرقانونی نیست. در طول تاریخ همواره از تحریم ها استفاده شده است (Carter, 1987:1168). در عمل کشورها چه بطور یکجانبه و چه بطور جمعی و یا در قالب یک سازمان بین المللی همواره از تحریم ها برای رسیدن به مقاصد سیاسی خود استفاده کرده اند. حتی اگر حقوق بین المللی اعمال تحریم ها را اجازه داده باشد، این نکته را باید مدنظر داشته باشیم که این مجوز به معنای نادیده گرفتن حقوق بشر و قواعد آمره نیست. بنا بر یک اصل کلی حقوقی «هیچ کس نمی تواند اعمال حق خود را وسیله ضرر زدن به دیگران قرار دهد». استفاده از تحریم های اقتصادی نباید به عنوان شکل خشونت باری از اجبار علیه غیرنظامیان استفاده شود (Stalls, 2003:117). حتی با فرض این که کشوری حق داشته باشد از تحریم ها استفاده نماید، اما نمی تواند از این ابزار برای ضربه زدن به جان و سلامت مردم استفاده کند. کما این که حتی وقتی حقوق بین المللی به کشورها مجوز استفاده از زور مسلحانه را می دهد، آن را مقید به شرایطی می کند. امروزه بخش مهم از حقوق بین المللی ناظر بر ابزار جنگی و شیوه جنگیدن و همچنین حمایت از غیرنظامیان است.

تحریم ها که به عنوان ضمانت اجرای حقوق بین المللی و در واکنش به نقض این حقوق تحمیل می شوند اگر خود منجر به نقض حقوق بین المللی - بویژه حقوق بین المللی بشر - بشوند، خود نیز فاقد مشروعیت حقوقی بین المللی می باشند. در کنار تحمیل و اعمال تحریم ها علیه مردم ایران، دولت آمریکا در اقدامی غیرمتمدنانه، غیرقانونی و غیرمعمول اقدام به ترور سردار سلیمانی، چند نظامی دیگر ایرانی و همچنین یک مقام ارشد نظامی عراقی نموده است.^۳ در سوم ژانویه ۲۰۲۰ ترامپ اعلام کرد که وی دستور یک حمله پهپادی را برای کشتن سردار سلیمانی در فرودگاه بغداد در عراق صادر کرد. در اثر این حمله سردار سلیمانی، از مقامات ارشد نظامی ایران، به همراه یک مقام ارشد نظامی عراق و همچنین چند نفر دیگر از شهروندان ایرانی به شهادت رسیدند. از نظر ترامپ، سردار

۱ ذکر این نکته لازم است که در این نوشتار صرفاً شهادت سردار سلیمانی و دیگر همکاران ایرانی ایشان مورد بحث قرار می گیرد.





سلیمانی در حال تدارک حملات قریب الوقوعی علیه دیپلماتها و نظامیان آمریکا بود.^۴ این حمله در زمانی صورت گرفت که مخاصمه مسلحانه ای در عراق میان ایران و آمریکا در جریان نبود. بنابر آن چه که بعدها در رسانه ها منتشر شد، (خبرگزاری ایسنا، ۱۳۹۸) سردار سلیمانی از سوی دولت عراق دعوت شده بود تا در مورد برخی از موضوعات به صورت دیپلماتیک گفتگو شود.

در این نوشتار ضمن بررسی شرایط جنایات علیه بشریت (۲) این مساله بحث می شود که آیا می توان تحریم ها را به عنوان تعرض برنامه ریزی شده یا گسترده علیه جمعیت غیرنظامی در ایران تلقی کرد؟ (۳) در نهایت نتیجه گیری ارایه می گردد.

۱. تبیین شرایط جنایات علیه بشریت

جنایت علیه بشریت، بنا بر تعریف مذکور در بند (۱) ماده (۷) اساسنامه رم^۵ شامل هر یک از اعمال ذکر شده در این بند^۶ است که «به عنوان بخشی از یک تعرض گسترده یا برنامه ریزی شده^۷ علیه هر جمعیت غیرنظامی با علم به آن تعرض ارتکاب می یابند.» بر این اساس، لازم است تا در این قسمت به بررسی حقوقی واژگان کلیدی جنایات علیه بشریت پرداخته شود.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

۱ این ادعایی است که ترامپ مطرح کرده است و تا به امروز دوم فروردین ۱۳۹۹ دولت آمریکا هیچ دلیل محکمه پسندی برای این اقدام خود ارایه نکرده است. شهادت سردار سلیمانی از جنبه های متعددی در گرایش های مختلف حقوق بین المللی قابل بحث و بررسی است. در این نوشتار نگارنده صرفاً این موضوع را از زاویه حقوق بین المللی کیفری و آن هم در سیاق جنایت علیه بشریت بحث و بررسی خواهد کرد.

2 Done at Rome on 17 July 1998, United Nations, Treaty Series, vol. 2187, No. 38544, Depositary: Secretary-General of the United Nations, <http://treaties.un.org> (Last visit 3/21/2020).

۳ بنابر مقرر مزبور، این اعمال، از جمله، شامل قتل عمد، قلع و قمع، به برده گی گرفتن، شکنجه و ناپدیدشدگی اجباری افراد می شوند.

4 Systematic.



۱-۱. تعرض گسترده یا سازمان یافته



یکی از شرایط لازم برای تحقق جنایت علیه بشریت وجود تعرض گسترده یا برنامه ریزی شده است. بنابراین، در این قسمت لازم است تا «تعرض»، «گسترده» یا «برنامه ریزی شده» مورد بحث قرار گیرد.

۱-۱-۱. تعرض

در کنفرانس رم هیات های نمایندگی تصمیم گرفتند تا در تعریف جنایات علیه بشریت «تعرض» را وارد کنند. درج این واژه نشانگر این است که این هیاتها می خواستند گستره اجرای ماده (۷) را مشخص کنند (Hwang, 1998:497-501). بر اساس شق الف بند (۲) ماده (۷) اساسنامه رم تعرض عبارت است از «سلسله رفتاری که متضمن ارتکاب چندین عمل به نحو مذکور در بند (۱) ... طبق سیاست دولتی یا سازمانی یا در پیشبرد آن می- باشد». منظور از تعرض یا حمله^۱ در رابطه با جنایت علیه بشریت معنای عام کلمه است و می تواند شامل حمله نظامی^۲ نیز بشود، هر چند حمله نظامی ضرورت ندارد. شعبه بدوی دیوان بین المللی کیفری در پرونده کاتانگا بیان داشت که «تعرض لازم نیست ضرورتا در ماهیت نظامی باشد و می تواند متضمن هر شکلی از خشونت علیه جمعیت غیرنظامی باشد» (Katanga, 2014:1101) شعبه مقدماتی دیوان بین المللی کیفری- زین پس دیوان- در وضعیت کنیا تعرض را «پویش یا عملیاتی» می داند «که علیه جمعیت غیرنظامی انجام شده است» و به «عملیات نظامی» محدود نمی شود (Pre-Trial Chamber II, 2010:80). همچنین قبلا شعبه بدوی دادگاه بین المللی کیفری برای رواندا- زین پس دادگاه رواندا- در پرونده آکایسو تعرض را این گونه تعریف کرد:

مفهوم تعرض می تواند به عنوان عمل غیرقانونی از نوع احصاء شده در شقوق الف تا ط ماده (۳) اساسنامه مثل قتل، قلع و قمع، به بردگی گرفتن و غیره تعریف شود. تعرض همچنین می تواند ماهیتا غیرخشونت آمیز باشد مثل تحمیل نظام آپارتاید که در ماده (۱)

1 Attack.

۲ به عبارت دقیق تر، حمله در چارچوب جنایات علیه بشریت ضرورتی ندارد که مسلحانه باشد. به همین خاطر نگارنده

ترجیح داده است تا از عبارت کلی تر «تعرض» استفاده نماید.





کنوانسیون آپارتاید ۱۹۷۳ جنایت علیه بشریت تلقی می شود یا اعمال فشار بر جمعیت به منظور این که به شیوه خاصی اقدام نمایند می تواند مشمول تعرض قرار بگیرند اگر در یک سطح گسترده یا به یک شیوه برنامه ریزی شده تدارک دیده شوند (Akayesu, 1998:581). در رویه قضائی بعدی نیز اساساً همین تعریف پذیرفته شد. تقریباً تعاریف پذیرفته شده در رویه قضائی در این نکته مشترک هستند که تعرض شامل تعدد اعمال مجرمانه مثل قتل عمد، شکنجه و غیره می شود. در عین حال، تعرض لزوماً ماهیتاً خشونت بار نیست (مثل نظام آپارتاید). همچنین، اعمالی که بخشی از تعرض می باشند لازم نیست از نوع مشابهی باشند، بلکه می توانند از انواع مختلفی باشند. به عبارت واضح تر «تعرض رویدادی است که در آن جنایات احصاء شده ارتکاب می یابند. در حقیقت، در یک تعرض واحد، ممکن است ترکیبی از جنایات احصاء شده مثلاً قتل، تجاوز به عنف و کوچ اجباری وجود داشته باشد» (Kayishema and Ruzindana, 1999:122) همچنین «اعمال» می توانند «بخشی از ارتکاب گسترده یا برنامه ریزی شده جنایات باشند» (Kupreškić et al., 2000:544) بنابراین ملاحظه می شود که در رویه قضائی برداشت موسعی از تعرض وجود دارد. از این رو، تعرض باید دست کم شامل اعمال چندگانه و ناشی از سیاست دولت یا سازمان باشد یا در این سیاست نقش داشته باشد.

اعمال متهم لازم نیست از همان نوع دیگر اعمال ارتكابی در خلال تعرض باشند. برای نمونه، اگر گروهی به کشتار مبادرت می نمایند و شخصی مرتکب خشونت جنسی در اجرای آن کشتار بشود، آن شخص به جنایت علیه بشریت (خشونت جنسی) محکوم می شود. مهم نیست که آیا دولت یا سازمان خشونت جنسی را تشویق کرده باشد یا خیر، چرا که عنصر زمینه ای ضروری، به خاطر تعرض مبتنی بر کشتار، از قبل موجود بود (Cryer et al., 2014:244).

۱ از جمله می توان به موارد زیر اشاره کرد:

Prosecutor v Nahimana et al., 2007, No. ICTR-99-52-A, para. 918; Prosecutor v Rutaganda, 1999, No. ICTR-96-3-T, para. 70; Prosecutor v Karemera et al., 2012, No. ICTR-98-44-T, para. 1674 and Prosecutor v Lukić and Lukić, 2009, No. IT-98-32/1-T, para. 873.





هر چند تعرض مستلزم تعدد اعمال کیفری است، اما تعدد عاملان ضرورت ندارد. همچنین ضرورت ندارد که مرتکب واحد در زمان های مختلفی اقدام کرده باشد (Chesterman, 2000:316). برای نمونه، اگر مرتکب آب جمعیت زیادی را سمی سازد، وی مرتکب چندین قتل با عمل واحد شده است. همچنین حمله ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ علیه ایالات متحده آمریکا می تواند مصداق این مطلب باشد. پرواز یک هواپیما و برخورد آن با یک آسمانخراش حمله ای در اثر یک رفتار واحد است که اعمال مجرمانه متعددی (مثل قتل، ضرب و جرح و غیره) را ایجاد می نماید. این اعمال می توانند تعرض یا حمله قلمداد شوند (Kupreškić et al., 2000:712). بنابراین می توان گفت «یک رفتار خاص می تواند موجب یک یا چند جرم باشد» (Elements of Crimes, 2011:9).

۱-۱-۲. تعرض گسترده یا برنامه ریزی شده»

نخستین شرط کلی در مورد جنایات علیه بشریت این است که اعمال باید بخشی از یک تعرض گسترده یا برنامه ریزی شده باشند. شرط «گسترده یا برنامه ریزی شده بودن» عامل اصلی برای تمایز جنایات علیه بشریت از دیگر جنایات عادی است. این شرط نخستین بار در اساسنامه دادگاه رواندا ذکر گردید، هر چند برخی از تصمیمات دادگاه بین المللی کیفری برای یوگسلاوی- زین پس دادگاه یوگسلاوی- معتقد بودند که این شرط حتی در اساسنامه آن دادگاه بصورت ضمنی وجود داشت (Blaškić, 2000:202; Tadić, 1997:648).

۱-۱-۲-۱. تعرض گسترده

در خصوص معیار گسترده بودن تعرض، رویه قضائی محاکم اختصاصی عمدتاً بر مقیاس تعرض یا شمار قربانیان تمرکز داشت. به همین خاطر شعبه بدوی دادگاه یوگسلاوی در پرونده تادیچ- با تبعیت از طرح کمیسیون حقوق بین المللی در سال ۱۹۹۶- تعرض گسترده را تعرضی دانست که شمار زیادی قربانی از خود بر جای می گذارد (Tadić, 1997:648). شعبه بدوی دادگاه رواندا نیز بر این باور بود که تعرض گسترده باید «علیه جمع کثیری از قربانیان صورت گیرد» (Kayishema and Ruzindana, 1999:123). گسترده بودن همچنین می تواند جنبه جغرافیایی داشته باشد. بنابراین، در پرونده بمبا شعبه





مقدماتی اظهار داشت که دلایل کافی وجود داشت که بر مبنای گزارش‌های حملات در مکان‌های مختلف در مناطق جغرافیایی زیاد از جمله ادله راجع به هزاران مورد تجاوز جنسی، قبرهای دسته جمعی و شمار زیاد قربانیان، تعرض گسترده بوده است (Bemba, 2016:688-689).

بر اساس تصمیم شعبه دوم مقدماتی دیوان بین‌المللی کیفری عنصر گسترده بودن «بر مبنای مسائل موضوعی انفرادی» هر پرونده مشخص می‌شود (Pre-Trial Chamber II, 2010:95). بنابراین، عنصر گسترده بودن به میزان جغرافیایی محدود نمی‌شود، بلکه می‌تواند شامل شمار زیادی در یک محدوده کوچک بشود. در نتیجه، این عنصر باید مورد به مورد ارزیابی شود.

۲-۲-۱-۱- تعرض برنامه ریزی شده

تعرض در صورتی برنامه ریزی شده است که مبتنی بر سیاست یا طرحی باشد که مرتکبان را در جهت موضوع تعرض یعنی جمعیت غیرنظامی هدایت و رهنمون می‌سازد. بر اساس حکم شعبه بدوی در پرونده تادیچ تعرض برنامه ریزی شده مستلزم وجود «الگو یا طرح روشمند» می‌باشد (Tadić, 1997:648). در پرونده آکایسو و دیگر پرونده‌ها تعرض برنامه ریزی شده این گونه تعریف شده است: «کاملاً برنامه ریزی شده و منطبق بر یک الگوی منظم بر مبنای سیاست مشترکی که متضمن منابع مالی عمومی یا خصوصی است.» (Akayesu, 1998:580)^۱ بنابراین، از نظر شعبه رسیدگی کننده در پرونده آکایسو، سازماندهی تعرض باید «کامل» باشد و همچنین منابع مالی باید برای آن استفاده شود. همچنین باید گفت «تعرض برنامه ریزی شده عبارت است از تعرضی که بر طبق یک طرح یا سیاست از قبل طراحی شده صورت گرفته است.» (Kayishema and Ruzindana, 1999:123) بر این اساس میان ماهیت برنامه ریزی شده تعرض و طرح یا سیاست از پیش طراحی شده رابطه وجود دارد. وصف برنامه ریزی شده بودن نشانگر ماهیت سازماندهی

۱ از جمله می‌توان به پرونده‌های زیر اشاره کرد:

Rutaganda, 1999, No. ICTR-96-3-T, para. 69; Musema, 2000, No. ICTR-96-13-T, para. 204 (27 January 2000), and Prosecutor v Seromba, No. ICTR-2001-66-I, Trial Chamber Judgment, para. 356 (13 December 2006).





بودن اعمال است و این که ارتکاب آنها اتفاقی نباشد) (Pre-Trial Chamber II, 2010:96). بنابراین، برنامه ریزی شده یعنی این که رفتار مجرمانه مشابه بر یک مبنای منظم باشد و بصورت اتفاقی رخ نداده باشند.

مستند تمام تصمیمات اشاره شده در فوق طرح کمیسیون حقوق بین المللی مصوب ۱۹۹۶ می باشد. بر اساس این طرح در ماده (۱۸)، تعرض برنامه ریزی شده یا نظام مند عبارت است از این که «طبق یک طرح یا سیاست از قبل طراحی شده باشد» (ILC, 1996). بر این اساس، شرایطی که در پرونده آکایسو ذکر شده (کاملاً برنامه ریزی شده و تبعیت از الگوی منظم و بکار بست منابع اساسی) را می توان توصیف حملات برنامه ریزی شده نوعی دانست نه این که شرایط لازم تلقی شوند.

با توجه به آن چه که مطرح شد می توان گفت مخرج مشترک تعاریف مختلف تعرض برنامه ریزی شده این است که چنین تعرضی باید بر طبق یک سیاست یا طرح از قبل برنامه ریزی شده انجام شود. به طور دقیق تر، آن چه که ویژگی برنامه ریزی شده تعرض محسوب می شود رهنمودی است که برای مرتکبین در خصوص هدف مشخص شده تعرض یعنی جمعیت غیرنظامی ارایه می گردد.

۲-۱. جمعیت غیرنظامی

۱-۲-۱. جمعیت

تعرض گسترده یا برنامه ریزی شده باید علیه جمعیت غیرنظامی باشد. جمعیت عبارت است از «گروه کثیری از افراد دارای ویژگی های متمایز که آنها را به عنوان هدف تعرض متمایز می سازد.» (Mettraux, 2002:25) بنابراین می توان گفت جمعیت به جمع کثیری از اشخاص دارای ویژگی های متمایزی نسبت به مرتکب اشاره دارد.

بنا بر نظر شعبه تجدیدنظر دادگاه یوگسلاوی در پرونده کوناراچ «کاربرد واژه «جمعیت» به این معنا نیست که کل جمعیت واحد جغرافیایی محل وقوع تعرض باید هدف آن تعرض باشند. کافی است نشان داده شود که افراد کافی در روند آن تعرض مورد هدف قرار گرفته باشند یا به شیوه ای مورد تعرض قرار گرفته اند که شعبه قانع شود که این تعرض در واقع علیه جمعیت غیرنظامی بوده نه این که علیه شمار محدود یا گزینش شده





ای از غیرنظامیان باشد» (Kunarac et al., 2002:424) شرط جمعیت اعمال انفرادی یا اتفاقی را از قلمرو و شمول جنایات علیه بشریت خارج می کند (Kunarac et al., 2002:422). کافی است که جمعی از قربانیان وجود داشته باشد و ضرورت ندارد که آنها به خاطر عضویت شان در یک گروه خاص قربانی شده باشند (DeGuzman, 2000:362 and Pégorier, 2013:118). همچنین شرط جمعیت تنها گروه مورد هدف را به عنوان غیرنظامی توصیف می کند که در ادامه به بررسی آن پرداخته می شود.

۲-۲-۱. غیرنظامی

سوال مهم در این قسمت این است که چه کسانی مشمول تعریف غیرنظامی هستند؟ در این خصوص، ابتدا باید خاطر نشان ساخت که شرط غیرنظامی یادگار خاستگاه جنایات علیه بشریت در قوانین جنگی است. بعلاوه، درج آن در طرح های کمیسیون حقوق بین المللی تا حدود زیادی مبتنی بر درهم آمیختگی ماده (۳) مشترک کنوانسیون های ژنو با حقوق حاکم بر جنایات علیه بشریت می باشد. اگر گستره جنایات علیه بشریت محدود به حمایت از قربانیان غیرنظامی جنگ می بود دیگر مصداقی نداشت. در حال حاضر، حمایت از حقوق انسانی غیرنظامیان به طور کلی مدنظر است. با این حال، نه تنها حقوق انسانی غیرنظامیان، بلکه حقوق انسانی سربازان نیز می تواند نقض شود.

عبارت «غیرنظامی» بر مبنای ماده (۳) مشترک کنوانسیون های ژنو تمام افرادی را شامل می شود که در مخاصمات نقش فعالی نداشته اند، یا دیگر چنین نقشی را ندارند و بنابراین شامل اعضای نیروهای مسلح می شود که سلاح شان را بر زمین گذاشته اند و همچنین اشخاصی که بواسطه بیماری، زخم، بازداشت یا هر دلیل دیگری توان جنگیدن را ندارند. در هر صورت باید غیرنظامی بودن را به طور موسع تفسیر کرد (Kupreškić et al., 2000). محاکم اختصاصی به پرونده باریبی استناد می کردند که بر اساس آن اعضای «مقاومت» می توانند قربانی جنایات علیه بشریت باشند (Cour de Cassation, 1984:78). بر همین اساس دادگاه های اختصاصی تعریف موسعی از غیرنظامی را مورد پذیرش قرار دادند. بر اساس رویه این دادگاه ها جنگجویان سابق گروه مقاومت که سلاح خود را بر زمین گذاشته اند و در حال حاضر بیمار می باشند، می توانند قربانی جنایات علیه بشریت باشند (Mrkšić et





32:1996, al.). همچنین «اعضای جمعیت غیرنظامی افرادی هستند که در مخاصمات شرکت فعال ندارند، از جمله اعضای نیروهای مسلح که سلاح خود را بر زمین نهادند و کسانی که به واسطه بیماری، زخم، بازداشت یا به هر دلیل دیگری توان جنگیدن ندارند.» (Akayesu, 1998:582; Rutaganda, 1999:72)

بنابراین می‌توان گفت جنایات علیه بشریت تنها اعمالی نیستند که علیه غیرنظامیان در معنای مضیق کلمه ارتکاب می‌یابند بلکه شامل جنایات علیه دو گروه از افراد نیز می‌شوند: نخست، کسانی که اعضای جنبش مقاومت بودند و دوم رزمندگان سابق - منصرف از این که آیا یونيفرم می‌پوشیدند یا خیر - اما در زمان ارتکاب جنایات دیگر نقشی در مخاصمات نداشتند به خاطر این که یا سلاح خود را بر زمین نهادند یا دیگر سلاح حمل نمی‌کنند یا در نهایت توان جنگیدن ندارند. همچنین در احراز وجود جمعیت غیرنظامی، دادگاه باید وضعیت خاص قربانیان در زمان ارتکاب جرم را در نظر بگیرد نه وضعیت رسمی وی را. بر این اساس، سردار سلیمانی در زمان شهادت وضعیت غیرنظامی را داشت و بنا بر شواهد و اطلاعات به عنوان یک میهمان دیپلماتیک بود.

در زمان صلح، ممنوعیت جنایات علیه بشریت در کنار ممنوعیت نسل‌زدایی حقوق قابل اعمال برای حمایت از حقوق بشر می‌باشد. بنابراین، در این وضعیت عبارت «غیرنظامی» باید نسبت به زمان جنگ حتی موسع‌تر تفسیر شود. در نتیجه، عبارت غیرنظامی باید در یک معنای دوگانه تفسیر شود: از یک سو، معادل معنای عبارت غیرنظامی در حقوق بین‌المللی بشردوستانه است و بنابراین از غیررزمندگان و کسانی که دیگر رزمنده نیستند، حمایت می‌کند؛ از سوی دیگر، باید موسع‌تر باشد زیرا باید تمام افرادی را که مورد حمایت حقوق بشر نیستند، بویژه در زمان صلح، تحت پوشش قرار دهد. در نهایت، هر فردی، منصرف از وضعیت رسمی خود به عنوان عضو نیروی مسلح باید غیرنظامی تلقی شود مگر این که آن نیروها، در یک مخاصمه مسلحانه دشمن مرتکب باشند و یا فرد سلاح خود را بر زمین نهاده یا در نهایت بعنوان hors de combat قلمداد نشود.





۳-۱. عنصر سیاست

شق الف بند (۲) ماده (۷) اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری به طور صریح عنصر سیاست را مورد پذیرش قرار داده است (Robinson, 1999:47-51). عبارت «عنصر سیاست»^۲ به طور رسمی به وسیله رویه قضائی محاکم اختصاصی ارایه گردید. در این خصوص چند سوال مهم را باید بحث کرد: آیا به موجب حقوق بین‌المللی اصلاً این عنصر شرط است یا خیر؟ محتوای سیاست چه باید باشد؟ چه موجودیتی باید پشت سیاست باشد؟ در نهایت رابطه بین این عنصر و اعمال پایه ای جنایات علیه بشریت کدامند؟ در ادامه به بررسی این مسائل پرداخته می‌شود.

۱-۳-۱. ضرورت عنصر سیاست و رفتار ضروری

این که آیا در حقوق بین‌المللی عرفی شرطی وجود دارد مبنی بر این که جنایات علیه بشریت باید بر طبق یک سیاست یا طرح یا برای پیشبرد آن ارتکاب یابد، اختلاف نظر وجود دارد.^۳ هیچ سند بین‌المللی پذیرفته شده قبل یا بعد از اساسنامه رم چنین شرطی را درج نکرده است. در هر صورت، حذف عنصر سیاست در حقوق محاکم کیفری بین‌المللی یا مختلط به این معنا نیست که این عنصر را نمی‌توان از تعرض، یا دست کم در شکل برنامه ریزی شده آن استخراج کرد (Ambos, 2014:67-76). بررسی ادبیات و تحولات حقوقی در این خصوص بیانگر حرکت از شرط ارتباط با جنگ به اقتدار دولتی یا سازمانی است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

۱ در این مورد به طور کلی بنگرید به:

Claus Kress, On the Outer Limits of Crimes against Humanity: The Concept of Organization within the Policy Requirement: Some Reflections on the March 2010 ICC Kenya Decision, 23 Leiden Journal of International Law, p. 861 (2010); William Schabas, State Policy as an Element of International Crimes, 98 J. CRIM. L. & CRIMINOLOGY 953 (2008) and also Christopher Roberts, On the Definition of Crimes Against Humanity and other Widespread or Systematic Human Rights Violations, Univ. of Pennsylvania Journal of Law and Social Change, Vol. 20. 1, 2017.

۲ در این خصوص، از جمله، بنگرید به:

M. Cherif Bassiouni, Crimes Against Humanity in International Criminal Law, Martinus Nijhoff Publishers (1999) p. 243.





نخستین اظهار نظر محاکم اختصاصی در مورد عنصر سیاست، تصمیم مبتنی بر ماده (۶۱) آیین دادرسی در سال ۱۹۹۵ در پرونده نیکولیچ بود. در این تصمیم بیان گردید «هر چند این جنایات لازم نیست که با سیاست تنظیم شده در سطح دولتی مرتبط باشند، اما نمی‌توانند کار افراد به تنهایی باشند.» (Nikolić, 1995:26) در پرونده تادیچ، شعبه بدوی دیدگاه مضیق‌تری را اتخاذ کرد که بر اساس آن دلیل این که جنایات علیه بشریت وجدان بشریت را جریحه دار می‌کنند و مستلزم مداخله جامعه بین‌المللی می‌باشند این است که عاقدانه علیه یک جمعیت غیرنظامی صورت می‌گیرند. به طور سنتی این شرط به این معنا بود که نوعی سیاست برای ارتکاب این اعمال بایستی وجود داشته باشد (Tadić, 1997:653). عنصر «سیاست» در چندین پرونده در دیوان بین‌المللی کیفری مورد بحث قرار گرفت (Ntaganda, 2012:24). از نظر شعبه بدوی دیوان، شرط سیاست مترادف «برنامه ریزی شده» نیست (Katanga 2014:1111-1112). شرط سیاست ملتزم آن است که اعمال به یک دولت یا سازمان مرتبط باشند (Gbagbo, 2014:217). اغراق نیست اگر گفته شود وجه ممیزه جنایت علیه بشریت از جرایم عادی وجود عنصر «سیاست» است. رویه قضائی ملی بر این نکته تأکید دارد که جنایات علیه بشریت معمولاً تبلور سیاست مجرمانه دولتی می‌باشند. (Finta, 1994, 733) در واقع، جنایات علیه بشریت به بخشی از سیاست دولت تبدیل می‌شود و به تبع آن سوءاستفاده دولت از قدرت و اختیارات خود می‌تواند صدمات بالقوه‌ای در پی داشته باشد. در مجموع می‌توان گفت تعرض، مستلزم نوعی رابطه با یک دولت یا قدرت دوفاکتویی است که سیاست معینی را دنبال می‌کند. سوال مهمی دیگری که در ادامه بحث می‌شود، این است که شکل و محتوای این سیاست چیست؟

۲-۳-۱. شکل و محتوای سیاست

در رابطه با شکل سیاست اختلاف جدی وجود ندارد. بر اساس رویه محاکم اختصاصی لازم نیست که سیاست به طور رسمی به عنوان سیاست دولت پذیرفته شده باشد.^۴ همچنین

^۱ برای نمونه بنگرید به:

Akayesu, 1998, para. 580; also Tadić, 1997, No. IT-94-1-T, para. 653; Rutaganda, No. ICTR-96-3-T, para. 69; Musema, 2000, No. ICTR-96-13-T, para. 204; Kupreškić et al., 2000, No. IT-95-16-T, para. 551; Blaškić, 2000, No. IT-95-14-T, para. 204.





لازم نیست که این سیاست به طور رسمی اعلام شود یا حتی به طور صریح و دقیق بیان گردد (Blaškić, 2000:204). بنابراین، وجود یک سیاست ضمنی یا دوافکتو کفایت می کند. همچنین دیوان بین المللی کیفری این رویکرد را تایید کرده است (Katanga and Ngudjolo Chui, 2008:396).

بر خلاف مساله شکل سیاست، مساله محتوای آن پیچیده تر است. البته سیاست باید ارتکاب جنایات علیه بشریت باشد، یعنی ارتکاب اعمال مجرمانه مذکور در بند (۱) ماده (۷) اساسنامه دیوان به روش برنامه ریزی شده یا گسترده علیه جمعیت غیرنظامی. در هر صورت، مفاد این مقرر این سوال را که محتوای این سیاست چه باید باشد، پاسخ نمی دهد. بنابر رویه قضائی تایید، پشتیبانی، مدارا و انفعال دولت یا هر موجودیت ذیربط دیگر نسبت به ارتکاب جنایات علیه بشریت موید سیاست دولت است. همچنین جنایات مزبور ممکن است با حمایت دولت باشند یا ممکن است بخشی از سیاست دولتی یا موجودیتی باشند که به طور دفاکتو نسبت به یک سرزمین اعمال اقتدار می نماید. (Kupreškić et al., 2000:552).

در نتیجه، محتوای سیاست بستگی به اهمیت تعرض برنامه ریزی شده یا گسترده دارد. در تعرض برنامه ریزی شده، سیاست دست کم رهنمودهایی را در خصوص قربانیان به منظور هماهنگی فعالیتهای مرتکبین انفرادی ارائه می نماید. بنابراین، تعرض برنامه ریزی شده مستلزم رفتار فعالانه از طرف موجودیتی است که پشت آن سیاست قرار دارد بدون این که لزوماً منجر به عمل گسترده یا مکرر بشود. در مقابل آن چه که مهم می باشد این است که آیا آن رفتار برای شروع و هدایت تعرض کفایت می کند یا خیر؟ برای نمونه شناسایی قربانیان احتمالی توسط مقامات و اعلام (صریح یا ضمنی) بی کیفرمانی برای مرتکبین جرایم علیه این گروه کافی خواهد بود. تعرض گسترده که در عین حال برنامه ریزی شده نیست تعرضی است که فاقد هر گونه رهنمود یا سازمان می باشد. سیاست پشت چنین تعرضی می تواند انفعال، مدارا یا رضایت ضمنی عمدی باشد. در برخی موارد ممکن است مرتکب تعرض مامور یا نماینده دارای سمت دولتی نباشد، بلکه افراد خصوصی هستند که دولت عمل آنها را تایید می کند و این نیازمند این است که ارتکاب جنایات





مزبور در راستای پیشبرد سیاست دولت باشند. بر این اساس، می توان گفت با این حال، چنین سیاستی مستلزم این است که موجودیت مورد بحث از نظر حقوقی ملزم و قادر به مداخله باشد.

۳-۳-۱. موجودیت عامل سیاست

هر چند ماده (۷) با اشاره به «سیاست دولتی یا سازمانی» تصریح می نماید که موجودیت پشت سیاست لازم نیست دولت در معنای سنتی حقوق بین المللی باشد، اما این مساله که کدام موجودیت های غیردولتی مشمول این مفهوم می شوند و این که آن موجودیت چه معیارهایی را باید داشته باشند، بحث اختلافی است. کمیسیون حقوق بین المللی در طرح ۱۹۹۶ در مورد جنایات این دیدگاه را مورد پذیرش قرار داد که موجودیتی که مرتکب جنایت علیه بشریت می شود باید دولت یا هر سازمان یا گروهی باشد (ILC, 1996). همین طور دادگاه یوگسلاوی بیان داشت که سیاست لازم نیست سیاست دولت باشد، (Tadić, 1997:655) لازم نیست در عالی ترین سطح در دولت یا سازمان تدوین شود، (Blaškić, 2000:205) و این موجودیت باید دارای اقتدار دفاکتو نسبت به سرزمین نیز باشد (Kupreškić et al., 2000:552). از نظر دیوان بین المللی کیفری مفهوم سازمان مبتنی بر توانایی گروه برای انجام اعمالی است که نقض ارزشهای بنیادین بشری می باشند نه ماهیت رسمی گروه و سطح سازمانی آن (Pre-Trial Chamber II, 2010). بنابراین، مورد به مورد باید احراز شود که آیا یک گروه خاص سازمان در معنای شق الف بند ۲ ماده ۷ اساسنامه قلمداد می شود یا خیر.

۲. قتل عمد به مثابه جنایت علیه بشریت

بر اساس بند (۱) ماده (۷) اساسنامه رم، قتل عمد می تواند از مصادیق جنایات علیه بشریت باشد. از نظر شعبه تجدیدنظر دادگاه یوگسلاوی در پرونده کوردیچ «ارکان قتل عمد به مثابه جنایت علیه بشریت جنجالی و اختلافی نمی باشند.» (Kordić and Cerkez, 2004:113) شعبه بدوی دادگاه یوگسلاوی در پرونده آکایسو بیان داشت: رکن مادی قتل عمد به مثابه جنایت علیه بشریت مستلزم این است که «قربانی مرده باشد» و این که «مرگ





ناشی از فعل یا ترک فعل غیرقانونی متهم یا زیردست باشد.» (Akayesu, 1998:589) رویه قضایی موید این است که قصد قبلی برای ارتکاب قتل به عنوان یکی از ارکان قتل عمد - به عنوان جنایت جنگی یا جنایت علیه بشریت - شرط نیست (Dorđević, 2014:548). همان طور که در رویه قضائی دیوان بین المللی کیفری پذیرفته شده، برای این که قتل عمد ارتکاب یابد «قربانی باید مرده باشد و مرگ باید ناشی از عمل قاتل باشد» که «می تواند بوسیله فعل یا ترک فعل ارتکاب یافته باشد.» (Krnojelac, 2002: 324) برای اثبات فوت قربانی، «نیازی به پیدا کردن و یا شناسایی جسد نیست.» بدون تردید سلب حیات از سردار سلیمانی و همراهان قتل عمد محسوب می شود. از آنجایی که در زمان ارتکاب محاصره مسلحانه ای وجود نداشته نمی توان آن را جنایت جنگی دانست. همچنین هیچ دادگاهی آنها را محکوم به اعدام نکرده بود که سلب حیات آنها بتواند توجیه قضایی و قانونی داشته باشد. بر این اساس، سلب حیات آنها نقض حقوق بین المللی بشر و در نتیجه قتل عمد می باشد.

۳. تحریم های ممتد و نامشروع آمریکا علیه مردم ایران به مثابه تعرض گسترده یا سازمان یافته

ممتد بودن و نامشروع بودن دو ویژگی مهم تحریم های آمریکا علیه مردم ایران می باشد. منظور از ممتد بودن این است که این تحریم ها دست کم ۴۰ سال زندگی و سلامتی مردم ایران را به خطر انداخته است. نامشروع بودن نیز به این معناست که این تحریم ها به طور صریح بر خلاف وجدان بشری و همچنین موازین حقوق بشری می باشند و حقوق بنیادین افراد انسانی در ایران را نقض می نمایند. از جمله این حقوق می توان به حق حیات، حق بر سلامتی و حق بر تعیین سرنوشت اشاره کرد. در این قسمت به بررسی این مساله پرداخته می شود که آیا می توان تحریم ها را تعرض گسترده یا برنامه ریزی شده علیه جمعیت غیر نظامی تلقی کرد یا خیر؟





۳-۱. تحریم‌های ممتد و نامشروع آمریکا علیه مردم ایران به مثابه تعرض

برای آن که بتوان قتل سردار سلیمانی را به مثابه جنایت علیه بشریت تلقی کرد، لازم است بررسی شود که این قتل در سیاق یک تعرض گسترده یا برنامه ریزی شده برطبق سیاست دولت آمریکا یا برای پیشبرد سیاست این دولت ارتکاب یافته است. بنابراین، پیش از هر چیز لازم است وضعیت تحریم‌ها را به مثابه تعرض بررسی کنیم.

۳-۱-۱. تحریم‌ها به مثابه تعرض

سوال این است که آیا می‌توان تحریم‌ها را «تعرض» در سیاق جنایات علیه بشریت تلقی کرد؟ همان‌طور که پیشتر بیان شد، تعرض لازم نیست که ضرورتاً ماهیت نظامی داشته باشد، بلکه شامل سلسله رفتاری است که متضمن ارتکاب چندین عمل مجرمانه طبق سیاست یا طرح دولتی یا سازمانی یا در جهت پیشبرد آن سیاست یا طرح می‌باشد.^{۱۵} تردیدی نیست که تحریم‌های ایالات متحده آمریکا علیه ایران تقریباً در ۴۰ سال می‌تواند شامل سلسله رفتاری باشد که در ضمن آنها دست کم قتل و محرومیت از حقوق بنیادین شهروندان صورت گرفته است. این تحریم‌ها بر طبق سیاست دولت آمریکا و همچنین در پیشبرد آن می‌باشد که خود این سیاست بصورت صریح و رسمی بارها و بارها اعلام شده است و دست کم بر حق تعیین سرنوشت ایرانیان تأثیر منفی می‌گذارد. تحریم‌های صورت گرفته همانند پدیده تروریسم کور می‌باشند و اقشار مختلف مردم غیرنظامی - کودکان، پیر، جوان، بیمار و ... - را هدف قرار داده است. این امری نیست که از دید دولت آمریکا پنهان باشد. در پرتو مولفه‌های راجع به «تعرض» که در بخش قبل این نوشتار مطرح شد، می‌توان به این نتیجه رسید که تحریم‌ها به مثابه تعرض علیه جمعیت غیرنظامی در ایران می‌باشند. حال باید این سوال را بحث کرد که آیا تحریم‌ها را می‌توان تعرض گسترده یا برنامه ریزی شده تلقی کرد؟





۳-۱-۲. تحریم های نامشروع و ممتد آمریکا به مثابه تعرض گسترده یا برنامه ریزی شده؟

همان طور که پیشتر بیان شد در مورد معیار گسترده بودن تعرض، رویه قضائی محاکم اختصاصی عمدتاً بر مقیاس تعرض یا شمار قربانیان تمرکز دارد. با این حال، گسترده بودن تعرض اصولاً بر مبنای مسائل موضوعی خاص هر پرونده ارزیابی می گردد (Pre-Trial Chamber II, 2010:95). بنابراین، لازم است تا جدای از مسائل موضوعی بررسی شده در رویه های قضایی محاکم اختصاصی بین المللی، این مساله مورد بررسی قرار بگیرد که آیا تحریم ها را می توان گسترده تلقی کرد؟ بطور مسلم آثار تحریم ها به حدی است که نه تمام ایران بلکه حتی می توان گفت تمام منطقه را نیز شامل می شود. امروزه هیچ ایرانی یافت نمی شود که قربانی تحریم ها نباشد. بویژه در این روزها که مردم با ویروس کوید-۱۹ درگیر هستند بیشتر می توان آثار تحریم ها را علیه جمعیت غیرنظامی مشاهده کرد. بنابراین، تردیدی نیست که تحریم ها گسترده می باشند. هر چند از نظر حقوقی اثبات گسترده بودن کفایت می کند، اما بهتر است که معیار برنامه ریزی شده را در مورد تحریم ها نیز مورد ارزیابی قرار دهیم.

تعرض در صورتی برنامه ریزی شده است که مبتنی بر سیاست یا طرحی باشد که مرتکبان را در جهت موضوع تعرض یعنی جمعیت غیرنظامی هدایت و رهنمون می سازد. بدون تردید تحریم ها بر طبق یک سیاست یا طرح از قبل برنامه ریزی شده توسط دولت آمریکا انجام می شوند. بعلاوه دولت آمریکا با وضع قوانین فراسرزمینی دیگر کشورها و موجودیت ها را نیز ملزم به اعمال این تحریم ها می نماید. همچنین کندگان و اعمال کندگان به خوبی بر این نکته واقف هستند که هدف مشخص شده این تحریم ها به عنوان تعرض در عمل جمعیت غیرنظامی می باشد. بنابراین، می توان گفت تحریم ها به مثابه یک تعرض علیه جمعیت غیرنظامی هم گسترده هستند و هم برنامه ریزی شده.

۳-۱-۳. تحریم ها به مثابه تعرض گسترده و برنامه ریزی شده علیه جمعیت غیرنظامی

همان گونه که در تعریف جنایات علیه بشریت آمده است باید «علیه جمعیت غیرنظامی» باشد. در مباحث پیشین مفهوم غیرنظامی مشخص گردید. در حقیقت هر کسی که در زمان ارتکاب جرم نظامی نیست، یا به هر دلیلی دست به سلاح نمی برد، غیرنظامی





است. در این که در بخش عمده ای قربانیان تحریم جمعیت غیرنظامی باشند، تردیدی نیست. اما سوالی که می توان مطرح کرد این است که آیا جمعیت غیرنظامی هدف اصلی و اولیه تحریم ها می باشند؟ بنا بر رویه قضائی محاکم اختصاصی جمعیت غیرنظامی باید هدف اصلی و اولیه تعرض باشد نه صرفاً یک هدف جانبی (Blaškic, 2004:106). برای احراز این که آیا تعرض علیه جمعیت غیرنظامی بوده است یا خیر باید، از جمله، این موارد مورد توجه قرار گیرند: ابزار و شیوه های استفاده شده در روند تعرض؛ وضعیت قربانیان؛ و شمار قربانیان (Kunarac et al., 2002:91). ابزارها و شیوه های استفاده شده در روند تحمیل و اعمال تحریم ها و همچنین وضعیت قربانیان به طور واضح نشان می دهد که - هر چند ادعا می شود جمعیت غیرنظامی هدف اصلی تحریم ها نیستند - اما اقتضای ذات تحریم - بویژه در بحث ما - این است که فشار حداکثری به مردم وارد شود تا از این طریق مردم در مقابل دولت بایستند. بنابراین، می توان گفت هم هدف تحریم ها، از جمله، مردم عادی هستند و هم این که تحریم ها بخشی از سیاست دولت آمریکا و هم در راستای پیشبرد سیاست این دولت می باشند. تحریم های اقتصادی «به اقتصاد کشور لطمه می زند که این امر به نوبه خود بر حقوق بشر همه افراد بویژه فقیرترین و آسیب پذیرترین اقشار جمعیت لطمه می زند.» (United Nations General Assembly, paras. 31-33) تحریم های اقتصادی اخیر آمریکا علیه ایران دهها میلیون ایرانی عادی را تحت تاثیر قرار داده است و دسترسی آنها به شغل، خوراک و امور پزشکی و درمان را با مشکل مواجه کرده است (Jazairy, 2019:295). پس در عمل، هدف اصلی تحریم ها جمعیت غیرنظامی (از جمله بیماران، کودکان، جوانان و دیگر اقشار آسیب پذیر جامعه) می باشند. نکته دیگری که باید مدنظر داشت این است که واضعان و مجریان تحریم ها - بر مبنای اخبار و اطلاعاتی که امروزه به راحتی در دسترس است - در می یابند که قربانی عملی و نهایی تحریم ها جمعیت غیرنظامی می باشند. هنگامی که آمریکا در سال ۲۰۱۸ مجدداً تحریم های اقتصادی را علیه ایران تحمیل نمود، وزیر امور خارجه این کشور با افتخار بیان داشت که بعد از موج جدید تحریم ها، ایران «برای زنده نگه داشتن اقتصاد خود تقلاً خواهد کرد» (Pompeo, 2018). بنابراین واضح است که از نظر مقامات آمریکایی، تاثیر گسترده و



تفکیک ناپذیر این تحریم ها بر اقتصاد ایران و جمعیت ایران- از جمله غیرنظامیان- عملاً پیامد موردنظر رژیم تحریم هاست (Background Briefing on President Trump's Decision to Withdraw from the JCPOA, 2018). با این حال، دولت ترامپ ادعاهای تناقض آمیزی را مطرح می کند مبنی بر این که قصد ما این نیست که تحریم ها به غیرنظامیان لطمه بزند (Pilkington, 2018). افزون بر آن اگر قرار باشد هدف اصلی بودن را به معنای مضیق در مورد تحریم اعمال کنیم، دقیقاً خلاف موضوع و غایت ممنوعیت جنایات علیه بشریت اقدام کرده ایم چرا که حقوق بنیادین افراد- از جمله حق حیات- نقض می شود و مرتکبان بی کیفر می مانند.

۳-۲. آثار سوء تحریم ها بر جمعیت غیرنظامی

برخی از حقوقدانان بر این باورند که تحریم های اقتصادی در زمان مخاصمه مسلحانه- تحت شرایطی- می تواند جنایت جنگی تلقی شود. از نظر آنها تحریم های اقتصادی یا محاصره ها که غیرنظامیان را از دسترسی به اشیاء لازمه برای زندگی و بقا محروم می سازد می تواند به موجب جزء (۲۵) شق ب بند (۲) ماده (۸) اساسنامه منع شوند، مادامی که این اقدامات در سیاق و مرتبط با مخاصمه مسلحانه اتخاذ می شوند و تا جایی که عناصر ذهنی لازم وجود داشته باشند، جز در مواردی که در این خصوص استثنائی وجود داشته باشد. در جایی که رژیم محاصره یا تحریم ها در سیاق یک مخاصمه مسلحانه این اثر را دارند که جمعیت غیرنظامی را به گرسنگی بکشانند، این تعهد به وجود می آید که مواد لازم باید به دست غیرنظامیان برسد. در حقیقت، باید تاکید شود که هدف محاصره عبارت است از محروم کردن طرف مخاصمه از موادی که برای انجام مخاصمات ضروری است نه به گرسنگی کشاندن غیرنظامیان (Sandoz et al 1987:para, 2095). به همین خاطر است که شورای امنیت عملاً در تحریم های اقتصادی مربوط به وضعیت های مخاصمه مسلحانه «استثناء های بشردوستانه» را پیش بینی می نماید.^۱ هر چند حقوق بین المللی «در مورد

^۱ برای نمونه بنگرید به:

UN Doc. S/Res/661 (6 Aug. 1990), para. 3 (c); UN Doc. S/Res/687 (3 Apr. 1991), paras. 20 et seq.; UN Doc. S/Res/757 (30 March 1992), paras. 4(c), 5 and 7; UN Doc. S/Res/820 (17





اجبار اقتصادی خارج از سیاق مخاصمه مسلحانه توسعه نیافته و در مرحله جنینی است» (Jazairy, 2019:291)، اما این امر به معنای ممنوعیت طرح این مساله نیست. دلیل این امر در این است که اصولاً تحریم های اقتصادی در زمان صلح عمدتاً توسط کشورهای قدرتمند صورت می گیرد و همین امر هم مانع طرح این مساله و در نتیجه توسعه آن می شود.

حقوق بین المللی بشردوستانه، از جمله، به دنبال حمایت از غیرنظامیان در زمان مخاصمه مسلحانه می باشد. در زمان صلح نیز لازم است تا غیرنظامیان مورد حمایت قرار بگیرند. سوالی که مطرح می شود این است که چرا اگر غیرنظامیان در زمان مخاصمه مسلحانه مورد تحریم اقتصادی و محاصره قرار بگیرند و نتوانند به مواد لازم برای بقاء و حیات دسترسی داشته باشند، قربانی جنایت جنگی تلقی می شوند اما اگر همین غیرنظامیان در زمان صلح از دسترسی به آن چه که برای زندگی و بقاء لازم است محروم شوند، قربانی محسوب نمی شوند؟ بیمارانی که دچار بیماری خاصی می باشند و برای زنده ماندن نیاز به دارو و تجهیزات پزشکی دارند، اگر در اثر تحریم ها نتوانند به دارو دسترسی داشته باشند و در نتیجه حیات آنها به خطر بیفتد چرا نباید قربانی محسوب شوند؟

دولت ایالات متحده آمریکا از سال ۱۹۷۹ تحریم هایی را علیه جمهوری اسلامی ایران تحمیل کرده است. این تحریم ها ابتدا در سال ۱۹۷۹ به شکل فرامین اجرایی صادره توسط رئیس جمهور وقت آمریکا، جیمی کارتر، برای بلوکه کردن اموال ایران در آمریکا تحمیل شدند (Katzman, 2016:1). گستره تحریم ها بویژه از سال ۲۰۱۱ در زمان ریاست جمهوری باراک اوباما وارد مرحله جدیدی شد.^۱

April 1993), para. 22 (a) and (b); UN Doc. S/Res/942 (23 Sep. 1994), paras. 7 (b) and (13 (b); UN Doc. S/Res/967 (14 Dec. 1994); UN Doc. S/Res/1302 (8 June 2000).

۱ برای اطلاع بیشتر در خصوص انواع تحریم های آمریکا علیه ایران بنگرید به: غمامی، سید محمد مهدی، تحلیل گفتمان ضد حقوقی تحریم های آمریکا علیه دولت ایران، فصلنامه مطالعات حقوق بشر اسلامی، سال دوم، شماره چهارم، تابستان ۱۳۹۲، همچنین دلاورپور اقدم، مصطفی، واکاوی تحریم های آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران در قالب تحلیل گفتمان، دفتر سیاسی، مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی، شماره مسلسل ۱۰۹۱۸، ۱۳۹۰.





تحریم های ممتد و نامشروع آمریکا، بویژه در سال های اخیر، گروه های خاصی از جمعیت غیرنظامی ایران را با دشواری هایی مواجه کرده است.^۱ این تحریم ها بویژه در چهار حوزه قابل تامل می باشند: حوزه بهداشت و سلامتی؛ حوزه کشاورزی؛ حوزه هوانوردی و حوزه خواربار (Islamic Republic of Iran v. United States of America, 2018). بدون تردید این تحریم ها را می توان یک الگوی گسترده دانست که دست کم ۴۰ سال به عنوان «سیاست» دولت آمریکا علیه مردم ایران تحمیل می شوند. دولت آمریکا همواره ادعا کرده است که این تحریم ها با هدف ایجاد فشار بر دولت و به منظور تغییر رفتار دولت تحمیل می شوند (Katzman, 2016:2)، اما واقعیت آن است که تا کنون بیشترین قربانی از آن جمعیت غیرنظامی، بویژه بیماران خاص، بوده است. تحقیقات در مورد پیامدهای انسانی اجبار اقتصادی حاکی از آثار منفی تحریم هاست. این آثار شامل فقر بیشتر، نرخ بالای بیکاری و وخیم تر شدن شرایط بهداشتی و سلامتی است (Weiss et al., 1997; Weiss, 1999:499-510; Cortright et al., 2001 and Cortright et al., 2000:11-24). در حقیقت اعمال تحریم ها علاوه بر این که گاهی به طور مستقیم نقض حقوق بنیادین است، می تواند «منجر به شورش، آشوب و خشونت سیاسی و افزایش اقدامات سرکوبگرانه بشود.» (Poe, 1994:853-872; Poe et al. 1999:291-313 and) در نتیجه تحریم ها حق حیات و حق سلامتی بیماران، کودکان، مادران، زنان باردار و گروه های سنی سالخورده در معرض خطر قرار گرفت (عاملی، محسنی آهویی، ۱۳۹۸:۴۳). تحریم ها همچنین منجر به مشکلات اقتصادی مضاعفی شده است که در نتیجه آن خرید و نقل و انتقال تجهیزات و مواد پزشکی مشکلات بسیاری را در سیستم درمان کشور ایجاد کرده است. بر اساس تحقیقی که صورت گرفته تحریم ها به طور مستقیم جمعیتی بیش از شش میلیون بیمار هموفیلی، مولتیپل اسکلروز، تالاسمی، صرع و اختلالات ایمنولوژیک مختلف، پیوند کلیوی و دیالیزی و سرطانی را تحت تاثیر قرار داده است (Gorji,

۱ برخی از تحریم های آمریکا به طور مشخص نهادهای نظامی را هدف قرار گرفته است که موضوع این نوشتار نمی باشد، هر چند در جای خود قابل تامل و بررسی می باشند. آن چه که در این نوشتار بحث می شود تحریم هایی است که یا مستقیماً علیه جمعیت غیرنظامی است یا در اثر آنها حقوق بنیادین جمعیت غیرنظامی نقض می شود. در گروه اخیر مثلاً می توان به تحریم های مالی علیه دولت اشاره کرد که امکان پرداخت هزینه دارو حتی برای شهروندان وجود ندارد.





314:2013). همچنین نایابی داروی بیهوشی و دیگر وسایل یک بار مصرف و مورد نیاز برای اعمال جراحی، جان بسیاری از بیماران را به خطر انداخته است. گزارش های پزشکی متعددی مرگ و میرهای ناشی از نبود دارو یا تجهیزات پزشکی در ایران را مورد تایید قرار می دهد.^۱

بعلاوه، تحریم های آمریکا بر صنعت هوانوردی جمهوری اسلامی ایران از سال ۱۹۹۵، باعث کشته شدن تقریباً ۱۷۰۰ مسافر شده است (Katzman, 2016:58). بدون تردید ایالات متحده آمریکا «با جلوگیری خطوط هوایی ایران از نوسازی تجهیزات قدیمی، خرید قطعات یدکی و دیگر تجهیزات و خدمات لازم، آموزش خلبانها با معیارهای بین المللی یا استفاده از خدمات هواپیمایی خارجی، جان مسافران و خدمه ایرانی و دیگر مشتریان خطوط هوایی ایرانی را در معرض خطر قرار می دهد.» (Islamic Republic of Iran v. United States of America, 2018:81) بنابراین، ملاحظه می گردد که تحریم های یکجانبه ممتد پیامدهای سوء زیادی بر همه حقوق بشر (United Nations General Assembly, 2015)، از جمله حق حیات (United Nations General Assembly, 2015:18-23)، حق بر سلامتی (United Nations General Assembly, 2015:38-44)، حق بر آموزش و حق بر زندگی شرافتمندانه (از قبیل خوراک، پوشاک، مسکن و مراقبت های پزشکی) دارند (United Nations General Assembly, 2015:34-37). بنابراین، تحریم ها در اشکال مختلفی بخشی از سیاست یا برنامه دولت آمریکا محسوب می شوند و شهادت سردار سلیمانی نیز در چارچوب این برنامه قابل توجیه است چرا که نمی تواند جدای از سیاست یا برنامه دولت آمریکا تفسیر شود.

نتیجه گیری

در این نوشتار این سوال اصلی مطرح شد که آیا ترور سردار سلیمانی و دیگر همراهان ایرانی ایشان جنایت علیه بشریت قلمداد می شود، یا خیر؟ بدون تردید این ترورها به خودی خود و به تنهایی نمی تواند جنایت علیه بشریت تلقی شود.^۲ برای این که بتوان آنها

1 <https://www.ncbi.nlm.nih.gov/pmc/articles/PMC4419179/pdf/IJPH-43-381.pdf> (last visit 3/25/2020)

۲ در عین حال به معنای این نیست که عنوان مجرمانه دیگری بر آنها بار نشود.





را جنایت علیه بشریت تلقی کرد باید بتوان شرایط لازم برای تحقق جنایت علیه بشریت را اثبات کرد. این شرایط، از جمله، در ماده (۷) اساسنامه دیوان بین المللی کیفری بیان شده است. بر این اساس لازم است تا، از جمله، قتل در سیاق یک تعرض گسترده یا برنامه ریزی شده علیه جمعیت غیرنظامی صورت بگیرد. در این راستا نگارنده تلاش کرد تا در یک الگوی گسترده تر و فراتر از ترور سردار سلیمانی مساله را تحلیل و بررسی نماید. به همین خاطر سلسله رفتار دولت آمریکا در تحمیل و اعمال تحریم های نامشروع و ممتد علیه جمعیت غیرنظامی مورد تحلیل و بررسی قرار گرفت. بر اساس حقوق حاکم بر جنایات علیه بشریت در اساسنامه رم و همچنین رویه قضائی «سلسله رفتار» مستلزم تعدد اعمال است یعنی چیزی فراتر از وقایع یا اعمال منفرد. وقتی از سلسله رفتار صحبت می شود، منظورمان این است که یک عمل منفرد و یا اعمال اتفاقی و پراکنده مدنظر نیست، بلکه مجموعه ای از اعمالی که آگاهانه و بر طبق یک سیاست یا برای پیشبرد آن طراحی و ارتکاب می یابند. در حقیقت، وجود یک الگوی معین ضرورت دارد. همچنین باید میزان معینی از برنامه ریزی، هدایت یا سازماندهی بوسیله دولت آمریکا وجود داشته باشد. بنا بر مطالعه صورت گرفته تحریم ها در دست کم ۴۰ سال بر طبق سیاست دولت آمریکا و همچنین برای پیشبرد این سیاست به صورت برنامه ریزی شده و حتی گسترده علیه جمعیت غیرنظامی در ایران صورت گرفته است. هر چند طرح دقیق تر این موضوع نیازمند مستندات بیشتری است، اما با توجه به آن چه که تا کنون در مورد آثار سوء تحریم ها منتشر شده است می توان این موضوع را با قاطعیت مطرح کرد. مستندسازی آثار سوء تحریم ها و همچنین رابطه میان نقض های حقوق بنیادین بشر و تحریم ها امری ضروری است.

قتل سردار سلیمانی و دیگر همکارانشان را نمی توان خارج از این سلسله رفتار آمریکایی ها و همچنین غیرمرتبط با تحریم ها تحلیل کرد. لازم نیست که این ترورها یا قتل ها برنامه ریزی شده یا گسترده باشند بلکه کافی است اثبات شود که این قتل ها بخشی از تحریم ها به مثابه یک تعرض گسترده یا برنامه ریزی شده علیه جمعیت غیرنظامی می باشند. سوال مهم در این خصوص این است که چه هنگامی می توان اعمال یک فرد را بخشی از تعرض علیه جمعیت غیرنظامی دانست. در حقیقت، باید رابطه یا پیوند کافی بین اعمال غیرقانونی متهم و تعرض وجود داشته باشد. بر حسب مسائل موضوعی هر پرونده، این پیوند را می توان به روش های متعددی احراز کرد. برخی از این عوامل مهم و موثق





عبارتند از: ماهیت وقایع و اوضاع و احوال پیرامونی اعمال متهم؛ قرابت زمانی و جغرافیایی اعمال متهم با تعرض؛ و ماهیت و میزان علم متهم از تعرض در زمان ارتکاب اعمال خود. یک شاخص مهم شیوه ارتباط اعمال متهم با تعرض یا پیشبرد سیاستی است که در پس تعرض قرار دارد. بدون تردید قتل سردار سلیمانی نمی تواند بی ارتباط با سیاست دولت آمریکا در وضع تحریم ها باشد. به عبارت دقیق تر، ارتکاب این قتل مکمل و مرتبط با تحریم ها می باشد؛ هر چند این موضوع نیازمند مستندات و ارزیابی حقوقی بیشتری است، اما تحقیق حاضر به عنوان سرآغاز پژوهش در این زمینه می تواند تلقی شود.

قتل سردار سلیمانی به عنوان یک واقعه به ظاهر منفرد بخشی از یک نظام منسجم و بخشی از سلسله اعمال مکرری است که ایالات متحده آمریکا در اثر انگیزه های سیاسی علیه مردم ایران تحمیل کرده است. در نهایت، نکته اصلی این است که تحریم های آمریکا علیه مردم ایران تعرض گسترده و برنامه ریزی شده می باشد و قتل سردار سلیمانی بخشی از این تعرض است که در صورت احراز دیگر شرایط لازم، می تواند جنایت علیه بشریت باشد.

منابع

- ۱) دلاورپور اقدم، مصطفی، ۱۳۹۰ ش، واکاوی تحریم های آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران در قالب تحلیل گفتمان، دفتر سیاسی، مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی، شماره مسلسل ۱۰۹۱۸.
- ۲) عاملی، سعیدرضا، محسنی آهویی، ابراهیم، ۱۳۹۸ ش، فقدان مشروعیت قانونی - بین المللی تحریم و نقض حقوق بشر، موسسه اسلامی حقوق بشر.
- ۳) غمامی، سید محمد مهدی، ۱۳۹۲ ش، تحلیل گفتمان ضد حقوقی تحریم های آمریکا علیه دولت ایران، فصلنامه مطالعات حقوق بشر اسلامی، سال دوم، ش ۴.
- 4) Ambos, Kai (2014), Treatise on International Criminal Law, Vol. II, Oxford University Press.
- 5) Background Briefing on President Trump's Decision to Withdraw from the JCPOA" (special briefing, Washington, D.C., May 8, 2018). www.state.gov/r/pa/prs/ps/2018/05/281959.htm.
- 6) Bassiouni, M. Cherif (1999), Crimes Against Humanity in International Criminal Law, Martinus Nijhoff Publishers.
- 7) Carter, Barry E., (1987) International Economic Sanctions: Improving the Haphazard U.S. Legal Regime, 75Cal. L. Rev. 1159.



- 8) Chesterman, Simon (2000), An Altogether Different Order: Defining the Elements of Crimes Against Humanity, *Duke Journal of Comparative & International Law*, 10: 37.
- 9) Chomsky, Noam (2016), The US is One of the Most Fundamentalist Countries in the World, Interview by Meera Srinivasan, *The Wire*. Available at: <https://chomsky.info/01312016/>
- 10) Cortright, David, A. Millar, and G.A. Lopez, (2001), *Smart Sanctions: Restructuring UN Policy on Iraq*, Goshen, IN: Fourth Freedom Forum.
- 11) Cortright, David, and G.A. Lopez, (2000), Learning from the Sanctions Decade, *Global Dialogue*, 2(3).
- 12) Cryer, Robert et al. (2014), *An Introduction to International Criminal Law and Procedure*, Cambridge University Press.
- 13) DeGuzman, Margaret McAuliffe (2000), The Road from Rome: The Developing Law of Crimes against Humanity, *Human Rights Quarterly*, Vol. 22, No. 2.
- 14) Elements of Crimes, General Introduction, (2011) para. 9 available at: <https://www.icc-cpi.int/NR/rdonlyres/336923D8-A6AD-40EC-AD7B-45BF9DE73D56/0/ElementsOfCrimesEng.pdf>
- 15) Farer, Tom J. (1985) Political and Economic Coercion in Contemporary International Law, 79 *American Journal of International Law*.
- 16) Gorji, Ali (2013) Health Care: Medical Supplies in Iran Hit by Sanctions, *Nature*, 495 (7441).
- 17) Hwang, Phyllis (1998), Defining Crimes against Humanity in the Rome Statute of the International Criminal Court, 22 *Fordham International Law Journal*, 457.
- 18) ICJ, Alleged Violations of the 1955 Treaty of Amity, Economic Relations, and consular Rights, (Islamic Republic of Iran v. United States of America), Request for the Indication of Provisional Measures, order of 3 October, 2018.
- 19) Jazairy, Idris (2019), Unilateral Economic Sanctions, *International Law, and Human Rights, Ethics and International Affairs*, 33, no. 3.
- 20) Katzman, Kenneth (2016) Iran Sanctions, January 12. available at: www.crs.gov.
- 21) Kress, Claus (2010), On the Outer Limits of Crimes against Humanity: The Concept of Organization within the Policy Requirement: Some Reflections on the March 2010 ICC Kenya Decision, 23 *Leiden Journal of International Law*.
- 22) Mettraux, Guenael (2002), Crimes Against Humanity in the Jurisprudence of the International Criminal Tribunals for the Former Yugoslavia and for Rwanda, *Harvard International Law Journal*, 43.
- 23) Pégrier, Clotilde (2013), *Ethnic Cleansing: A Legal Qualification*, Routledge.
- 24) Pilkington, Ed (2018), Mike Pompeo Insists US Sanctions Will Not Hurt Iranian People, *Guardian*, November 4, 2018. www.theguardian.com/world/2018/nov/04/pompeo-trump-us-sanctionsoil-iran-iranian-people.



- 25) Poe, Steven C., and N. Tate (1994), Repression of Human Rights to Personal Integrity in the 1980s: A Global Analysis, *American Political Science Review*, 88(4).
- 26) Poe, Steven C., N. Tate, and L.C. Keith (1999), Repression of the Human Right to Personal Integrity Revisited, *International Studies Quarterly*, 43(2).
- 27) Pompeo, Mike (2018), After the Deal: A New Iran Strategy (remarks, Heritage Foundation, Washington, D.C., May 21, 2018), www.state.gov/secretary/remarks/2018/05/282301.htm.
- 28) Pre-Trial Chamber II, Situation in the Republic of Kenya, 2010, No. ICC-01/09-19, Decision Pursuant to Article 15 of the Rome Statute on the Authorization of an Investigation into the Situation in the Republic of Kenya.
- 29) Prosecutor v Karemera et al., 2012, No. ICTR-man98-44-T.
- 30) Prosecutor v Kayishema and Ruzindana, 1999, No. ICTR-95-1-T.
- 31) Prosecutor v Kunarac et al., 2002, No. IT-96-23-T & IT-96-23/1-T.
- 32) Prosecutor v Kupreškić et al., 2000, No. IT-95-16-T.
- 33) Prosecutor v Lukić and Lukić, 2009, No. IT-98-32/1-T.
- 34) Prosecutor v Mrkšić et al., 1996, No. IT-95-13-R61.
- 35) Prosecutor v Nahimana et al., 2007, No. ICTR-99-52-A.
- 36) Prosecutor v Nikolić, 1995, No. IT-94-2-R61.
- 37) Prosecutor v Rutaganda, 1999, No. ICTR-96-3-T.
- 38) Prosecutor v. Akayesu, 1998, No. ICTR-96-4-T.
- 39) Prosecutor v. Bemba, 2016, No.: ICC-01/05-01/08.
- 40) Prosecutor v. Đorđević, 2014, No. IT-05-87/1-A.
- 41) Prosecutor V. Gbagbo, 2014, No. ICC-02/11-01/11.
- 42) Prosecutor V. Katanga and Ngudjolo Chui, 2008, No. ICC-01/04-01/07.
- 43) Prosecutor v. Katanga, 2014, No. ICC-01/04-01/07.
- 44) Prosecutor v. Kordić and Čerkez, 2004, No. IT-95-14/2-A, 17.
- 45) Prosecutor v. Krnojelac, 2002, No. IT-97-25-T.
- 46) Prosecutor v. Musema, 2000, No. ICTR-96-13-T.
- 47) Prosecutor V. Ntaganda, 2012, No. ICC-01/04-02/06.
- 48) Prosecutor v. Tihomir Blaškić, 2000, No. IT-95-14-T.
- 49) Prosecutor v. Tadić, (1997), No. IT-94-1-T.
- 50) R v. Finta [1994] 1 S.C.R. 701.
- 51) Roberts, Christopher (2017), On the Definition of Crimes Against Humanity and other Widespread or Systematic Human Rights Violations, *University of Pennsylvania Journal of Law and Social Change*, Vol. 20. 1.
- 52) Robinson, D Darryl (1999), Defining “Crimes Against Humanity” at the Rome Conference, *American Journal of International Law*, 93.
- 53) Rome Statute, 17 July 1998, in force on 1 July 2002, United Nations, Treaty Series, vol. 2187, No. 38544.
- 54) Sandoz, Yves et al eds. (1987), *Commentary on the Additional Protocols to the Geneva Conventions of 12 August 1949*, Martinus Nijhoff Publishers.

- 55) Schabas, William (2008), State Policy as an Element of International Crimes, 98 J. Crim. L. & Criminology.
- 56) Stalls, Justin D., (2003) Economic Sanctions, 11 U. Miami Int'l & Comp. L. Rev. 115.
- 57) UN Doc. S/Res/1302 (8 June 2000).
- 58) UN Doc. S/Res/661 (6 Aug. 1990).
- 59) UN Doc. S/Res/687 (3 Apr. 1991).
- 60) UN Doc. S/Res/757 (30 March 1992).
- 61) UN Doc. S/Res/820 (17 April 1993).
- 62) UN Doc. S/Res/967 (14 Dec. 1994).
- 63) United Nations General Assembly, "Human Rights and Unilateral Coercive Measures," A/70/345, August 28, 2015, undocs.org/A/70/345.
- 64) United Nations General Assembly, "Human Rights and Unilateral Coercive Measures," A/70/345.
- 65) United Nations General Assembly, "Research-Based Progress Report of the Human Rights Council Advisory Committee Containing Recommendations on Mechanisms to Assess the Negative Impact of Unilateral Coercive Measures on the Enjoyment of Human Rights and to Promote Accountability," A/HRC/28/74, February 10, 2015, undocs.org/A/HRC/28/74.
- 66) Weiss, Thomas G. (1999), Sanctions as a Foreign Policy Tool: Weighing Humanitarian Impulses, *Journal of Peace Research*, 36(5).
- 67) Weiss, Thomas G., D. Cortright, G.A. Lopez, and L. Minear, (eds. 1997), *Political Gain and Civilian Pain: Humanitarian Impacts of Economic Sanctions*. Lanham, MD: Rowman and Littlefield.

